



۳

رسانس ایتالیا در قرن شانزدهم

کشف رنگ روغن، یعنی رنگی که در ماده روغنی حل شده و با آن آغشته باشد، چنانکه در شماره پیش گفتیم، کار نقاشان فلاندر خاصه برادران «ون ایک» بود که در قرن پانزدهم می زیستند. این اکتشاف در تاریخ نقاشی جهان اهمیت فراوان دارد، زیرا که با این وسیله بسیار بیشتر و بهتر از آنچه پیش از آن معمول بود، یعنی آمیختن رنگ با سفیده تخم مرغ، می توانستند جلای سایه روشن را نشان بدهند. نقاشان ایتالیائی دوره رسانس که از مزایای این کشف آگاه شدند همه آنرا اقتباس کردند، اما پیروان شیوه های مختلف نقاشی در ایتالیا هنوز باروش های تذهیب امن بسیار داشتند و باین سبب مدتی طول کشید تا بتوانند از همه فواید و نتایج نقاشی با رنگ روغن بهره مند شوند.

در ربع آخر قرن پانزدهم میلادی تغییر مهمی در طراحی نقاشان فلورانس پدید آمد. در خطوط اطراف طرح صراحت خشکی که تا آنگاه از خصوصیات شیوه نقاشی آن سرزمین شمرده می شد از میان رفت و این خطها در سایه روشن پیرامون طرح اصلی محو شد. باین طریق شیوه تازه ای برای نشان دادن شکلها در فضا بوجود آمد و کاشف این شیوه لئوناردو داوینچی [۱۴۵۲-۱۵۱۹] بود.

داوینچی مظهر برجسته اندیشه بشری در این روزگار شمرده می شود. دانستن این نکته نیز ضروری است که وی هم نقاش، هم پیکر ساز و هم موسیقیدان بود و در کیمیاگری و معماری و مهندسی نیز مقامی داشت. برای داوینچی نقاشی عملی روحی بود. گفته اند که لئوناردو داوینچی در سرحد میان دودنیای

باستان و جدید زندگی می کرد و تحقیقاتی را که متقدمان او باشور و حرارت بسیار آغاز کرده بودند او نیز باعلاقه فراوان ادامه می داد. کنجکاوی ذهنی او و کشف «سایه روشن» از جمله اموری است که او را در صف اول هنرمندان عصر جدید قرار داده است.

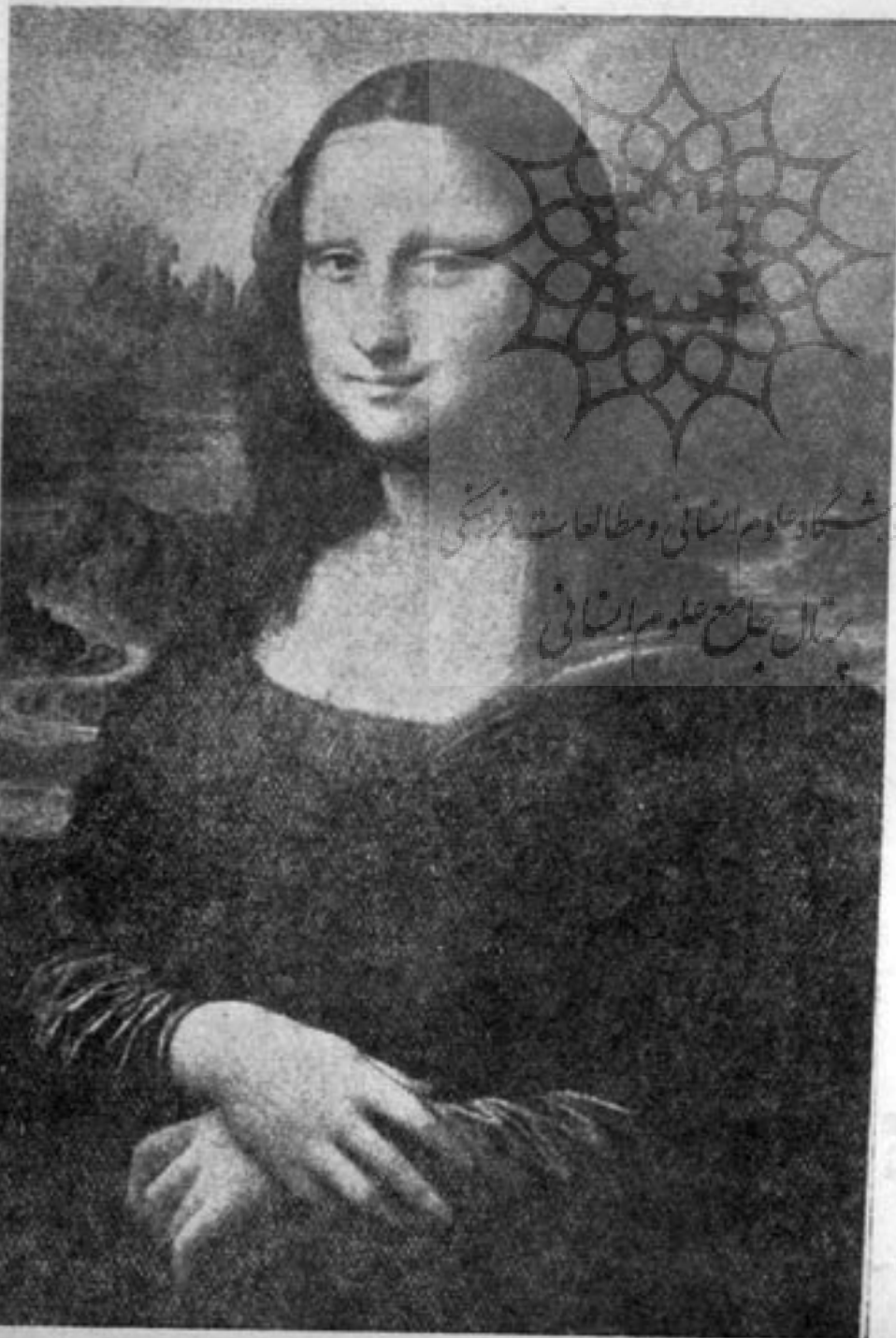
مطالعات مختلف او و علاقه ای که به همه شعب و فروع معرفت بشری داشت از طرحهای او پیداست. لئوناردو نخست کوشش کرد تا شکل و قالب اشیاء را با همه دقایق آنها زیر قلم بیاورد. سپس به کشف دنیای رنگ پرداخت و «فضا» را در پرده نقاشی وارد کرد؛ و این همان زمینه است که نقاشی عصر جدید در آن تکامل یافت.

داوینچی که در

شهر میلان می زیست چون آن شهر بتصرف فرانسویان در آمد ناچار فرار اختیار کرد و بسمت معمار و مهندس بخدمت سزار برژیا مشغول شد. در سال ۱۵۰۱ در شهر فلورانس پرده معروف «مونالیزا دل ژوکوندو» را که چهار سال اتمام آن طول کشید آغاز کرد. این پرده را بعد فرانسوی اول پادشاه فرانسه که علاقه خاصی به هنر داشت خرید و نقاش را نیز بفرانسه دعوت کرد و او تا پایان عمر

ژوکوند (موزه لوور) کار معروف

لئوناردو داوینچی



در آن سرزمین بسر برد.

لئوناردو داوینچی هم دانشمند و هم نقاش بود. پیش از آنکه بخواهد طبیعت را بروی پرده بیاورد مدتی در آن مطالعه می کرد. در نقاشی دواصل عمده را هدف قرار داده بود: یکی آنکه هنر را نتیجه غائی علم قرار دهد، دیگر آنکه بوسیله زیبایی نظام نهانی عالم را بیان کند. آثار او در نقاشی بسیار معدودست و در همه آنها تجربیاتی که استاد درباره شیمی رنگها بعمل آورده است آشکارا دیده می شود.

این مرد عجیب که در آن واحد همه علوم آینده را پی ریزی یا پیش بینی می کرد و در نظر او نقاشی و پیکر سازی در واقع بکار بردن نکات و اموری بود که در مطالعه هندسه و علم مناظر و مریا و مکانیک و کیمیاگری و زمین شناسی و تشریح و گیاه شناسی دریافته بود، تجزیه را با الهام برابر کرده بود. شاید بتوان گفت که وی در تاریخ بشری گانه مردی است که دو طریقه علمی و هنری بیان اندیشه را با هم آمیخته و یکجا بکار برده است. هر گاه طرحهایی را که

او از ماشینها، از تشریح کالبد، از عضلات بدن و از گلها رسم کرده است بدقت مشاهده کنیم می بینیم که در آنها طبیعت اصلی خود عیناً نقش شده است.

اما راز نهانی حیات و وجود طبیعی که در یافتن و نشان دادن آن کار علم و فن نیست بلکه نتیجه نبوغ و الهام است نیز در این آثار آشکاراست: داوینچی به کشف اسرار وجود دل سپرده بود و می گفت: هر چیز را که بیشتر بشناسیم بیشتر دوست می داریم. باین سبب می کوشید که همه چیز را درست از طریق علمی بشناسد اما باین اکتفانمی کرد. بر اثر شناختن امور یک نوع

مردم عذر او طفل - کار لئوناردو داوینچی





پروپشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

صورت زن جوان

کار لئوناردو داوینچی (۱۴۵۲-۱۵۱۹)

شیوه رنسانس در ایتالیا

چاپ اطریش

دل بستگی و همدلی خاصی با آنها می یافت .

داوینچی می توانست خنده و نشاط را روی چشم و لب همه اشخاصی که نقش می کرد دریابد و با قلم و رنگ آنرا درست آنچنانکه در یک دم وجود داشته است نشان بدهد

پیش از «لئوناردو» دو تمایل عمده در نقاشی ایتالیائی وجود داشت : یکی تمایل به نمایش ظاهر علمی اشکال که نماینده برجسته آن مازاچیو Masaccio و «پیرودل لافرانچسکا» بودند، دیگر تمایلی که بیشتر به جنبه تزئینی و شاعرانه اشکال توجه داشت و بوتی چلی استاد این شیوه شمرده می شد . لئوناردو - داوینچی میان این دو تمایل تلفیقی کرد. نقاشی او در مراعات تمام نکات دقیق علمی سرآمد کار استادان پیشین است و در همان حال گویی هاله ای از احساس شاعرانه آنرا فرا گرفته است .

این استاد کرد خود گروهی از شاگردان را جمع آورده بود که در

کارگاه او واقع در شهر میلان کار می کردند . از میان ایشان لوئینی Luini ظاهراً پیش از دیگران رموز کار استاد خود را دریافته بود . شاگرد دیگر او بنام انتونیو باتسی Antonio Bazzi که بیشتر به لقب سودوما Sodomala معروف است در آثار خود لطافت و ظرافتی آمیخته به اندوه و نشان می دهد .

هنرمند بزرگ دیگری که معاصر لئوناردو و داوینچی بود رفائیل Raphaël است . این استاد سراسر لطف و آرامش و مهربان بود . خود او چنان ملایمت طبع و مهربانی داشت که همه کسانی را که با او آشنائی می یافتند مجذوب و مسحور می کرد . یکی

لئوناردو داوینچی
صورت خود نقاش



از شاگردانش درباره او گفته است که رفائیل در محیط خودچنان آرامش و نشاطی می‌پراکند که نه همان اشخاص بلکه جانوران نیز او را دوست می‌داشتند. رفائیل که نام کامل او «رافائلو سانتی» است از نمایندگان برجسته شیوه ایتالیایی شمرده می‌شود. وی در سال ۱۴۸۳ بدنیآ آمد و در سال ۱۵۲۰ در شهر رم درگذشت. پدرش جیووانی سانتی Giovanni Santi تاجر غلات و نقاش و شاعر و پیکر ساز بود.

رفائیل نخست نزد نقاشی بنام تیموتئو ویتی کار کرد. سپس در سال ۱۴۹۹ به شهر پروژ Pèrouse رفت و در کارگاه استادی معروف به Perugin (منسوب به پروژ) مشغول کار شد. آثار نخستین او که کاملاً به پیروی از این استاد ساخته شده سراسر لطف و آرامش است. میان سالهای ۱۵۰۴ و ۱۵۰۸ در شهر فلورانس بسربرد و با استفاده از شیوه استادان پیشین سبک خود را کامل کرد. پاپ ژول دوم در سال ۱۵۰۸ او را به رم خواند و به تزیین و نقاشی کاخ خود گماشت.

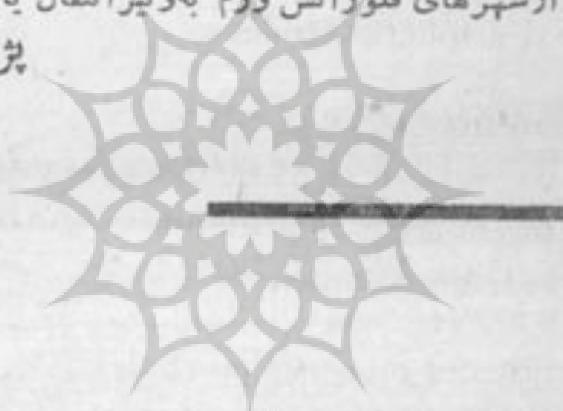
رفائیل نیز استعداد و نبوغ خود را در امور مختلف هنری بکاربرد. سرپرستی حفاری‌های شهر رم و تکمیل ساختمان کلیسای معروف سن پیر و تهیه طرح قالی و پرده و تزیین در و دیوار قصرها را نیز علاوه بر ایجاد شاهکارهای نقاشی بعهده داشت. این نقاش بزرگ که عمری کوتاه داشت و بیش از ۳۶ سال در جهان

مریم و عیسی بافرشته - کار رفائیل



نماند شاهکارهایی بس وجود آورد که در تاریخ نقاشی جهان اهمیت و تأثیری بزرگ داشت. هنردرسی (کلاسیک) فرانسه بسیار از او سرمشق گرفت و تأثیرش در شیوه کار هنرمندان ایتالیایی نیز عظیم بود. رفائیل گروهی از هنرمندان بزرگ و زبردست را پیرامون خود گرد آورده بود که اغلب سالخورده تر از خود او بودند و باین طریق شیوه خاص او در نقاشی بوسیله شاگردانش منتشر شد. از جمله این شاگردان یکی ژول رومن بود که او را بعنوان معمار و مهندس درجه اول و استاد فن تزیین می شناختند. هفت سال پس از مرگ رفائیل شهر رم غارت شد و هنرمندان آن پراکنده شدند. اما شهر و نیز که در مقابل هجوم دشمنان مقاومت کرده بود میراث هنری گذشته را حفظ کرد و باین طریق مرکز هنر ایتالیا و مقرب نیاد. گزاران نقاشی کلاسیک از شهرهای فلورانس و رم به و نیز انتقال یافت.

پژوهنده



غزلی از نظامی

بهردمی نه فرمان
 من آن نیم که تودیدی تو آنی و به از آنی
 تو افزوده جمال و مرا نمانده جوانی
 مگر که چون تو بهاری تبدلی ببیند
 که هر چه بود بیایم ببرد باد خزانی
 توئی خلیل و من آتش چرا نمیرم پیش
 من اربمیرم شاید، تو بایدت که بمانی
 گرم شکست بخوانی چرا شکسته نباشم
 تن این چنین که تودیدی دل آن چنان که تودانی
 بهردمی نه فرمان رعایت دل ما کن
 نگویمت بچه غایت بدانقدر که توانی
 نظامی از سر خدمت کمر به پیش تو بندد
 که در جبین تو بیند سعادت دو جهانی